

باسمه تعالی

علل فردی و اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر

پژوهش گر: علی کشاورز^۱

استاد راهنما: علی سهراب پور^۲

چکیده: در این مقاله، علل ترک امر به معروف و نهی از منکر از دو بخش مورد بررسی قرار داده شده است؛ در بخش اول به بررسی علل فردی ترک امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است، که از جمله این علل، می‌توان به فقدان بینش صحیح، ترس، روحیه سازشکاری، توجیهات بی‌اساس، حب و بغض، عدم احساس وظیفه، عدم آگاهی نسبت به منکر و معروف، عدم آگاهی نسبت به آثار امر به معروف و نهی از منکر و عدم آگاهی نسبت به ابعاد آن اشاره کرد. اما بخش دوم، علل اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار داده شده است، که از جمله این علل، عمل کرد غلط آمران و ناهیان، عدم حمایت مسئولین از آمران و ناهیان، تربیت اشتباه و فضای نامناسب جامعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، علل فردی، علل اجتماعی

^۱. طلبه پایه ششم مدرسه علمیه صالحیه کازرون
^۲. استاد مدرسه علمیه صالحیه کازرون ۰۹۱۷۱۲۳۲۵۶۳

مقدمه

اصولا برای تبیین هر موضوعی باید تعریف جامعی از آن موضوع کرد تا درک صحیحی از آن موضوع شود. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر نیز باید تعریف صحیحی از آن ارائه شود.

کلمه معروف به معنای چیز شناخته شده است و هر امری است که انسان به حکم عقل و یا به حکم شرع مقدس آن را خوب نیک و شایسته می‌داند. اما کلمه منکر به معنای چیزی است که نزد فطرت، ناشناخته است، یعنی هر آنچه که به حکم فطرت و عقل یا به حکم شرع مقدس، زشت و ناشایست باشد. (مدرسی یزدی ۱۳۸۵، ص ۴۷-۴۹)

پس امر به معروف به معنای امر به نیکی کردن می‌باشد و نهی از منکر به معنای نهی کردن از کارهای زشت و ناپسند است.

امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که در آیات و روایات به طور صریح از اهمیت آن به خوبی سخن به میان آمده است.

حضرت علی (علیه السلام) در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند: وما أعمال البر كلها والجهاد في سبيل الله عند الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، إلّا كنفتة في بحر لجي؛ همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر همچون آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود. (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۴)

و همچنین حضرت قوام شریعت را بر برپایی امر به معروف و نهی از منکر میدانند: قوام الشريعة الأمر بالمعروف، والنهي عن المنكر، وإقامة الحدود؛ قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و بر پاداشتن حدود [الهی] است. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۴) و همچنین در روایتی، به امر به معروف و ناهی از منکر، مقام خلیفه خدا و خلیفه رسول خدا نسبت داده شده است و حتی عواقب سنگینی برای ترک این فریضه الهی قرار داده شده است.

اکنون سوال این است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر که از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چه چیزی سبب شده تا امر به معروف و نهی از منکر، ترک شود؟ و چرا بعضی از انسان ها از اقامه این فریضه، سر باز زده و از آن غافل شدند؟

این مقاله درصدد پاسخ به این سوال برآمده است و علل ترک امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار داده است.

ترک امر به معروف و نهی از منکر علل گوناگونی دارد که در این مقاله به بررسی علل فردی و اجتماعی ترک آن پرداخته می‌شود:

الف- علل فردی ترک امر به معروف و نهی از منکر:

۱- فقدان بینش صحیح

یکی از موثرترین عوامل ترک امر به معروف و نهی از منکر فقدان بینش صحیح از این فریضه الهی است، به طور مثال انسان‌هایی هستند که از اهمیت این واجب اطلاعی ندارند و حتی کسانی هستند که نمی‌دانند امر به معروف و نهی از منکر یکی از فرائضی است که خدا آن را واجب کرده است.

اساساً نداشتن بینش صحیح نسبت به یک موضوع، موجب می‌شود که انسان از عمل نسبت به آن موضوع دست بکشد یا در عملش به بیراهه رود چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطريق و لایزیده سرعة السیرة من الطريق آلاً بعداً؛ کسی که بدون بینش عمل کند، هم‌چون کسی است که در بی‌راهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می‌افتد. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱)

۲- ترس

یکی از علل ترک امر به معروف و نهی از منکر ترس است. بعضی از مردم این واجب را انجام نمی‌دهند به خاطر این که می‌ترسند مورد تمسخر واقع شوند یا ترس از این دارند که دیگران او را به عقب ماندگی متهم سازند. مثل ترس از مورد تهدید واقع شدن و مورد انتقاد واقع شدن. البته در موردی مثل ترس از جان و مال، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی‌شوند مگر این که منکر مسئله مهمی باشد مثل نجات انسان محترمی که در این صورت لازم است و این در حالی است که در روایت آمده است امر به معروف و نهی از منکر کنید و نترسید، زیرا نه رزق شما قطع و نه مرگ شما نزدیک می‌شود. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

۳- بی‌اثر دانستن امر به معروف و نهی از منکر

از دیگر عوامل ترک امر به معروف و نهی از منکر بی‌اثر دانستن آن است و یکی از شرایط وجوب این فریضه الهی، این است که احتمال تاثیر در فرد گناه‌کار وجود داشته باشد. برخی تصور می‌کنند که باید اثر امر و نهی کردن در شخص گناه‌کار به طور سریع و معجزه‌آسایی ظاهر شود، غفلت از این که ممکن است سخن او بعداً اثر کند و لذت گناه را از گناه‌کار می‌گیرد. به طور مثال حرکت امام حسین (علیه السلام) هرچند تاثیر فعلی خودش را نداشت ولی بعد از واقعه عاشورا، مردم ناحق بودن لشکر یزید را فهمیدند. اما هرچند امر و نهی کردن شخص گناه‌کار اثر

نداشته باشد، نباید فراموش شود که سخن آمر و ناهی بی‌فایده است، چرا که اولین فایده امر به معروف و نهی از منکر این است که «منکر»، «معروف» و «معروف» نمی‌شود و ارزش‌ها جای خود را به ضد ارزش‌ها نمی‌دهد. باید دانست که احتمال تأثیر شرط وجوب است، نه اینکه تأثیر نداشتن، موجب ممنوعیت این واجب باشد.

مقام معظم رهبری در بیان احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه‌جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین... برای مردم حرف اثر دارد. بنابراین پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سوال کردید، زبان است. واقعا معجزه می‌کند... مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کند، می‌گوید آقا شما این کار را نباید می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او بر می‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خُب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید. اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی‌کردی؛ بدانید اگر دعوا هم بکند، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اول کرده است. نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همین‌طور. بنابراین، اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید، شما خیال می‌کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟ نهی از منکر واقعا معجزه می‌کند. فقط هم زبانی؛ یدیش در اختیار حکومت است؛ یعنی اگر جایی باید با گناه‌کار به صورت یدی و مجازاتی برخورد کنند، فقط دستگاه‌هایی از حکومت هستند که مسئول این کارند؛ مردم نباید بکنند. اما زبانی چرا؛ خیلی هم اثر دارد. (خادمی-محمودخانی؛ ۱۳۹۲؛ ۱۱-۱۲)

۴-روحیه‌ی سازش‌کاری

بعضی از انسان‌ها، در هر شرایطی تن به تغییر و سازش‌کردن با دیگران می‌دهند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ دَاهَنَكَ فِينَفْسِكَ وَسَاوَرَكَ عَيْبُكَ؛ بدترین برادر تو آن است که درباره نفس تو، با تو سازش‌کاری کند و عیب‌هایت را به تو نگوید. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۱-۴۵۵)

باید به این نکته توجه داشت که در برخی از روایات، علت خشم و نزول عذاب الهی، وجود همین روحیه در بین افراد است. به علاوه‌ی این‌که، فرد سازش‌کار در مواقعی که با منکر مواجه می‌شود، ممکن است مرتکب همان گناه و منکر شود و در این مورد زیان و خسران ببیند. چنان‌چه حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: مَنْ دَاهَنَ نَفْسَهُ هَجَمَتْ بِهِ عَلَى الْمَعَاصِي الْمُحَرَّمَاتِ؛ هرکس با نفس خود سازکار کند، او را به ارتکاب گناهان حرام بکشاند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴) و حضرت در جای دیگر فرمودند: لَا تُدَاهِنُوا فِي الْحَقِّ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ فَتَخْسَرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا؛ هرگاه با حق روبه‌رو شدید و دانستید که حق است درباره آن سهل‌انگاری نکنید که به سختی زیان خواهید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۹۱) حتی حضرت علی (علیه‌السلام) به طور صریح، برپایی اقامه حدود الهی را متوقف بر سازش نکردن و هم‌رنگ جماعت نشدن می‌داند؛ لایقیم امرالله سبحانه آلا من لایصانع و لایضارع و

لايتبع المطامع؛ فرمان خدا را به پا نمی دارد جز کسی که [در اجرای حکم خدا] سازش نکند و هم‌رنگ جماعت نشود و در پی طمع خویش نرود. (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۲)

۵-توجیهات بی اساس

از عوامل که باعث می‌شود امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شود این است که انسان چه خواسته و چه ناخواسته دست به توجیاتی می‌زند که هیچ‌گونه اساس و بایه‌ای ندارد. توجیه و عذرتراشی گناه از خود گناه بدتر است. زیرا شخص توجیه‌گر، بر گناه خود، سرپوش می‌گذارد و راه توبه را به روی خود می‌بندد. به طور مثال؛ بعضی از انسان‌های ضعیف‌الایمان به نزد پیامبر می‌رفتند و از وجود نازنین پیامبر درخواست می‌کردند که در جنگ شرکت نکنند. چرا که توجیه‌شان این بود که اگر به جنگ روند، چشمشان به کسانی که زیباروی هستند می‌افتد و به گناه افکنده می‌شوند؛ «ومنهم من يقول اءذن لی ولا تفتنی؛ بعضی از آن‌ها می‌گویند: به ما اجازه بده [تا در جنگ شرکت نکنیم] و ما را به گناه نیفکن» (توبه، ۴۹)

برای نمونه دو مورد از توجیهاتی که در مسئله امر به معروف و نهی از منکر به کار می‌رود، بیان می‌شود:

الف) گناه دیگران به ما ربطی ندارد.

بعضی برای توجیه امر به معروف و نهی از منکر، توجیهاتی دارند که هرگز قابل قبول نیست؛ مثل این جمله که می‌گویند: «موسی به دین خود عیسی به دین خود»، «کسی را در قبر دیگری نمی‌گذارند» لذا چشم خود بر گناهان دیگران بسته و ساکت می‌شوند، اما غافل از این‌که، گناه در جامعه تاثیرگذار و قابل سرایت است.

شهید مطهری در مورد تاثیر گناه فرد بر جامعه می‌فرماید:

اجتماع روی فرد اثر می‌گذارد و فرد روی اجتماع. واقعا مجموعه‌ش یک واحد است، خودش روح دارد، عمر دارد. این یک مطلب عجیبی است، البته کسی که این را خوب استنباط کرده و پرورانده است، علامه طباطبایی است. ایشان در وضوح از قرآن استنباط می‌کند که قرآن برای اجتماع، شخصیت قائل است، برای اجتماع عمر قائل است؛ «و لكلّ امةً أجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون» (اعراف، ۳۲) و همچنین برای اجتماع بیماری و سلامت قائل است، برای اجتماع سعادت و شقاوت قائل است، برای اجتماع شرکت در مسئولیت قائل است. گاهی افرادی می‌پرسند، چرا اگر اکثریت یک قومی گناه کردند، اقلیت صالحی هم که در میان آن قوم است به عذاب آن قوم معذب می‌شوند؟ نمی‌دانند که اعضای یک اجتماع حکم اعضای یک پیکر را دارند. وقتی که در عضوی از یک پیکر سرطان بشود، اعضای دیگر نمی‌توانند بگویند چرا ما هم باید از بین برویم. به همان دلیل که شما با یکدیگر اتصال و هم‌ریشگی و پیوند دارید و به همان دلیل که از سعادت او بهره‌مند هستید، به همان دلیل از بدبختی او هم باید در اجتماع متضرر باشید. فقط آن دنیا است که دنیای جدایی است، در این دنیا افراد اجتماع واقعا به

یک‌دیگر متصل‌اند و واقعا در ناخوشی و خوشی یک‌دیگر شریک‌اند و واقعا در عذاب و سعادت یک‌دیگر شریک هستند. در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد. این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد، در این دنیا تر و خشک با هم می‌سوزند، منتها از نظر آن‌ها که به اصطلاح خشک‌اند، یعنی آماده سوختن هستند، عذاب الهی است و شاید در آن دنیا هم دنباله داشته باشد؛ ولی از نظر آن‌ها که استحقاق نداشته‌اند، مصیبت و ابتلا است و در آن دنیا به آن‌ها اجر داده می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۰، ۳۲۹)

پس کسانی که عدم ارتباط گناهان دیگران با خودشان را، توجیهی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند، خود را از چارچوب عقل و منطق خارج می‌کنند و توجیه‌شان موجب به فساد کشیدن جامعه و به هلاکت افتادن آن می‌شود.

(ب) امر و نهی کردن، باعث سلب و آزادی از دیگران می‌شود.

بعضی گمان می‌کنند که مسئله امر به معروف و نهی از منکر از مسائلی است که موجب دخالت در امور دیگران می‌شود و نوعی توهین به دیگران محسوب می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه‌ای است که بر عهده همگان قرار داده شده است و چیزی نیست که منافات با کرامت انسانی و حقوق طبیعی آنها داشته باشد. چرا که پذیرفتن دین، مانند پذیرش قانون، مستلزم محدود کردن آزادی است.

شهید بهشتی، دو ریشه را برای محدودیت آزادی در نظام اسلامی بیان می‌کند: ۱- اینکه آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه نزند. ۲- آزادی که محیط را فاسد می‌کند و زمینه‌ها را برای رشد فساد در جامعه آماده می‌کند. این آزادی‌ها در نظام اسلامی گرفته می‌شود یعنی به انسان‌ها اجازه نمی‌دهد که مطابق میل و هوا و هوس خودشان و هرجور دلشان می‌خواهد زندگی کنند. مثلاً بیایند در خیابان یک ترانه چندش‌آور فاسدکننده‌ای را که انسان‌ها را به سوی ابتذال تحریک می‌کنند را بخوانند. بگویند آقا ما این ترانه را در خیابان می‌گذاریم، می‌خواهیم گوش کنیم، بزنیم و برقصیم؛ آزادی است! نه؛ این‌جا در نظام اسلامی گفته می‌شود که، در اعمال آزادی مشخص خود، تا این‌جا نمی‌توانید پیش بروید، اینجا برایتان مرز معین می‌کنند. (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۸۶-۸۷)

۶- حب و بغض

گاهی انسان‌ها علت ترک امر به معروف و نهی از منکر را این‌گونه بیان می‌کند که اگر اشتباهات کسی را که نسبت به او علاقه دارد، گوشزد کند، موجب کاهش علاقه بین دو طرف می‌شود و دوستانش از او رنجیده خاطر می‌شود. شاید این مطلب به تصورات غلط از امر به معروف و نهی از منکر رجوع کند، زیرا یکی از فلسفه‌های امر به معروف و نهی از منکر، مستحکم شدن روابط دوستی و ایجاد محبت بین دو طرف است و مخاطب باید درک کند که نهی شدنش به خاطر علاقه است که نسبت به او وجود دارد.

حضرت علی (علیه‌السلام) امر کردن به نیکی را یکی از ویژگی‌های بهترین دوست معرفی می‌کند. ایشان می‌فرمایند: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ ، وَأَمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ؛ بهترین برادران تو کسی است که برای انجام کارهای نیک بشتابد و تو را نیز به نیکوکاری نیز بکشاند و به نیکی فرمانت دهد و در آن یاریات دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۳۵۸) و همچنین امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَىَّ مَنْ أَهْدَى عَيْوَبِي إِلَيَّ؛ دوست داشتنی‌ترین برادرانم کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه دهد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۹)

۷- احساس وظیفه نکردن

از دیگر عوامل امر به معروف و نهی از منکر عدم احساس مسئولیت نسبت به این فریضه الهی است. بعضی گمان می‌کنند که مسئله امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است که بر عهده مسئولین و نهادهای ذی‌ربط می‌باشد و خود را از مسئولیت مبرا می‌کنند درحالی که امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ای است که از فروع دین و از واجباتی است که خداوند بر عهده همگان قرار داده است. قرآن نیز به همین مطلب اشاره دارد: وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴) اما در سوره عصر خداوند چنین می‌فرماید: همه مردم در زیانند جز آنان که ایمان و عمل صالح دارند و دعوت به حق و توصیه به صبر و استقامت می‌کنند.

در تفسیر نمونه، از مجموع این آیات، چنین استفاده می‌شود که، امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد:

یکی مرحله فردی که هرکس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران شود و دیگری مرحله دسته‌جمعی که اُمت موظف هستند برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. قسمت اول، وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است. اما قسمت دوم، شکل واجب کفایی به خود می‌گیرد. و چون جنبه دسته‌جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع است،

طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۳۶) پس نباید از این وظیفه‌ای که از مهم‌ترین مسئولیت‌ها به شمار می‌رود شانه خالی کرد.

۸- علم نداشتن نسبت به منکر و معروف

علم به منکر و معروف یکی از عواملی است که موجب اقامه این فریضه الهی می‌شود. اصولاً عمل به یک مسئله، فرع بر علم به آن مسئله است، پس اگر کسی نسبت به منکر و معروف علم نداشته باشد نمی‌تواند به آن عمل کند و به «معروف»، «امر» و از «منکر»، «نهی» کند. همان‌طور که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: یامر بالمعروف و لاینهی عن المنکر الا من کان فیه ثلاث: ... عالماً بما یامر به عالماً بما ینهی عنه؛ امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند مگر کسی که در او سه خصلت باشد: ... یکی آن که به آنچه امر می‌کند و از آنچه نهی می‌کند، عالم باشد. (ابن‌اشعث، ص ۸۸)

لذا است که بزرگان دین، یادگیری شرایط و ضوابط آن را بر همگان واجب می‌دانند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: یادگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و جواز و عدم آن، واجب است تا در امر و نهی خود مرتکب منکر نشود. (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

در کتاب «ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر» پاره‌ای از منکر و معروف را بیان نموده است که در این مقاله به صورت خلاصه‌وار از آن کتاب اقتباس می‌شود:

انواع معروف در قرآن:

اقامه نماز:

اولین معروفی که قرآن به آن سفارش نموده و آن را نشانه ایمان به خدا می‌شمرد، نماز است. چنان‌چه خداوند در قرآن می‌فرماید: الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة؛ پرهیزکاران به غیب ایمان دارند و نماز برپا می‌دارند. (بقره، ۳)

رسیدگی به محرومان:

از مهم‌ترین دستورات اجتماعی اسلام، رسیدگی به محرومان و نیازمندان در همه ابعاد زندگی است. مانند؛ خمس و زکات.

احسان و نیکوکاری:

مورد واجب آن، احسان به والدین است که خداوند در قرآن می‌فرماید: و بالوالدین احساناً (بقره، ۸۳).

اصلاح ذات بین:

خداوند در قرآن می‌فرماید: و اصلحو ذات بینکم؛ میان خودتان را اصلاح کنید و آشتی دهید (انفال، ۱).

عدالت ورزی:

خداوند همواره مومنان را به این معروفِ بزرگ سفارش نموده و می‌فرماید: ان الله يامر بالعدل والاحسان؛ خداوند به عدل و احسان امر می‌کند. (نحل، ۹۰)

ازدواج و تشکیل خانواده:

نه تنها پدر و مادر، بلکه مسئولان جامعه نیز در این امر مسئولیت دارند و هرکس بتواند قدمی در این راه بردارد باید اقدام کند؛ و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم (نور، ۲۳)

حیا و عفت:

قرآن پیامبرش را مامور می‌سازد تا به دختران و همسران خود و زنان مومن سفارش کند که با ناز و کرشمه سخن نگویند، با حیا راه بروند و پای بر زمین نکوبند و مواضع زینت خود را برای مرد نامحرم آشکار نسازند و از مختلط شدن با مردان بپرهیزند: یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین و... (احزاب، ۵۱). و همچنین مردان مومن را فرمان می‌دهد که نگاه خود را به زنان نامحرم کوتاه کنند: قل للمومنین یغضوا من ابصارهم (نور، ۳۰).

صبر و استقامت:

یکی از وظایف مومن آن است که همواره دیگران را به صبر و پایداری در انجام وظایف دینی سفارش کند: و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر (عصر، ۳).

وحدت و اطاعت:

حفظ و بقای یک جامعه، نیازمند وحدت و یکدلی افراد آن جامعه است: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا؛ به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و دچار تفرقه نشوید. (آل عمران، ۱۰۳) البته وحدت باید بر پایه اطاعت از خدا، رسول خدا و حاکمان برگزیده خدا باشد و گرنه کافران نیز بر باطل خود اتحاد و اتفاق دارند.

انواع منکرات:

منکرات اعتقادی:

خرافات و تبعیض در احکام دین: تبعیض در احکام دین، نشانه افراد منافق است؛ نؤمن ببعض و نکفر ببعض (نساء، ۱۵۰)

منکرات اجتماعی:

مُدپرستی و تقلید کورکورانه، شرکت در جلسات گناه، تهمت و آبروریزی، پیروی از شخصیت‌های کاذب، سوءظن، تجسس، غیبت، سعایت و سخن‌چینی، بی‌تفاوتی نسبت به جامعه، اشاعه فحشا، چاپلوسی و غلو، از جمله منکرات اجتماعی می‌توان نام برد.

منکرات خانوادگی:

سوء استفاده از سرمایه همسر، مهریه زیاد، توقع مراسم و تشریفات بیش از حد و دخالت‌های نابه‌جای بستگان عروس و داماد، از مهم‌ترین منکرات خانوادگی است.

منکرات اقتصادی:

ربا، گران‌فروشی، غش در معامله، فروش جنس معیوب، احتکار و رشوه و... از منکرات اقتصادی به شمار می‌رود.

منکرات نظامی:

غفلت از دشمن، فرار از جبهه، نافرمانی از فرماندهی و غنیمت‌گرایی و... شامل منکرات نظامی می‌شود.

منکرات سیاسی:

پذیرفتن طاغوت و رهبران نااهل، پذیرفتن عوامل بیگانه، مداهنه و سازش‌کاری، پخش شایعه، بزرگ‌کردن دشمن و نپذیرفتن حاکمان الهی و... از منکراتی است که در سیاست دیده می‌شود. (قرائتی، ۱۳۶۴، ص ۹۳، ۱۱۲)

۹- عدم آگاهی نسبت به آثار امر به معروف و نهی از منکر:

دانستن اثرات امر به معروف و نهی از منکر، مشوقی برای اقامه این فریضه الهی است.

آثار امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

یکی از جهت اقامه و انجام این فریضه، که موجب برخورداری از ثمره و فایده‌ی این فریضه می‌شود و دیگری از جهت ترک این فریضه، که عواقب و آثار شومی را به دنبال دارد و هر دو مورد، به طور مختصر مورد بررسی قرار داده می‌شود.

ثمره و فواید/ امر به معروف و نهی از منکر:

این فریضه الهی دارای ثمرات اخروی و دنیوی زیادی می‌باشد از جمله این ثمرات، تقرب به درگاه الهی و آمرزش گناهان و اجر و ثواب فراوان، نظارت در اجرای حدود و قوانین، حمایت از حقوق ضعفا و بی‌نوایان نگاه‌داری بیچارگان و افتادگان، تهذیب اخلاق و بسط و توسعه علم و فرهنگ، پیشرفت صنایع اختراعات، تاسیس سازمان‌های خیریه و عام‌المنفعه، عمران بلاد و شهرستان‌ها، تامین عدالت خواهی و خدمات نوعی، نیکوکاری و احیای حس تعاون و همکاری، سعی در قضای حوائج و انتظام امور کسب و معاملات، دادرسی به ستم‌دیدگان و منع زمامداران و ارباب مناصب و مشاغل از تجبر ستم‌کاری و تضییع حقوق افراد و جلوگیری از فحشا و منکرات و... را می‌توان ذکر کرد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

در پاره‌ای از روایات نیز شواهدی از امر به معروف و نهی از منکر بیان شده که در این‌جا فقط به ذکر یک مورد از آن اکتفا می‌شود.

امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: **إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ ، وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ ، وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ ، وَيُسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛** امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است، فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می‌شود و راه و روش‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به صاحبانش بر می‌گردد و زمین آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سازمان می‌پذیرد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶)

عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر:

از جمله عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر که در روایات مورد اشاره واقع شده، مورد لعن خدا واقع شدن، مشمول بغض خداوند شدن، مبتلا شدن به گرفتاری، مبارزه با خدا، عدم رضایت الهی، تسلط اشرار بر مردم، عقاب الهی و عدم استجاب دعا و فراگیر شدن عقوبت می‌باشد. (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۳۷-۴۲)

۱۰- عدم آگاهی نسبت به ابعاد امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از ابعاد امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و ضوابط آن است. ممکن است کسی ندانستن شرایط امر به معروف و نهی از منکر را دستاویزی برای رها ساختن این فریضه قرار دهد لذا آگاهی یافتن نسبت به شرایط امر به معروف و نهی از منکر، واجب شده است. امام خمینی (ره) شرایط امر به معروف و نهی از منکر را این گونه بیان می‌کند: امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط است آن‌ها عبارتند از:

۱- کسی که امر یا نهی می‌کند بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

۲- احتمال بدهد امر یا نهی او تاثیر دارد. بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست.

۳- شخص گناه‌کار اصرار بر ادامه داشته باشد. حتی اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناه‌کار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

۴- امر و نهی سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مومنان نشود. (فلاح‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۳۰۲-۳۰۳)

همچنین از دیگر ابعاد امر به معروف و نهی از منکر، شیوه امر و نهی کردن و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر است، دانستن چگونگی عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر، مانند شرایط آن، واجب است تا این که ندانستن چگونگی عمل به آن، توجیهی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر نشود که خوانندگان این مقاله می‌توانند به کتاب‌هایی در این مورد رجوع کنند اما برخی در مورد جایگاه و اهمیت این فریضه اطلاعی ندارند و همین امر موجب عدم انگیزه نسبت به اقامه این فریضه الهی می‌شود، که در مقدمه از اهمیت این فریضه بحث شد.

امام علی (علیه‌السلام) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ؛ قوام شریعت به امر معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود الهی است. (تمیمی - آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۴)

ب- علل اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر:

عدم حمایت مسئول از آمران و ناهیان یا عدم اعتقاد آنها نسبت به این فریضه یا به خاطر جاه‌طلبی آنها به این که اگر از آمران و ناهیان حمایت کنند جایگاه خود را به خطر می‌اندازند و یا به خاطر این است که در حمایت کردن ناتوان هستند و قدرتی بر این کار ندارند و همین امر سبب شده که آمران به معروف و ناهیان از منکر در امر و نهی خود بی‌ رغبت شده و گناه‌کار نیز نسبت به گناه تجری پیدا کند.

۱- تربیت اشتباه:

تربیت نقش بسزایی در نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر دارد زیرا تربیت موجب افزایش سطح آگاهی و تجربه می‌شود و افزایش علم و آگاهی از موثرترین عوامل در پیشبرد احکام و قوانین الهی می‌باشند.

حضرت علی (علیه‌السلام) هنگام سفارش به فرزندش می‌فرماید: فبادرتک بالادب قبل ان یقسمو قلبک و یشغل لُبک لتستقبل بجدّ رأیک من الامر ما قد کفاک أهل التجارب بُغیته و تجربته فتکون قد کفیت مؤونة الطلب و عوفیت من علاج التجربة؛ پیش از آنکه دلت، سخت و فکرت، مشغول گردد به تربیت تو پرداختم، تا با اندیشه استوارت به اموری که صاحبان تجربه آن را جسته‌اند و آزموده‌اند، روی آوری و بدین‌سان رنج جستجو از تو برداشته شود و از دست زدن به تجربه معاف گردی. (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۵۶)

اما تربیت اشتباه علاوه بر اینکه رشد علم و آگاهی و تجربه را در دیگران ایجاد نمی‌کند. موجب می‌شود تا حس مسئولیت‌گریزی و فرار از مسئولیت در دیگران رشد کند و در مواجه شدن با مسئولیت بزرگی چون، امر به معروف و نهی از منکر سرباز زند.

۲- عملکرد غلط آمران و ناهیان

عملکرد غلط آمران و ناهیان نسبت به مسئله امر به معروف و نهی از منکر مثل رفتار نامناسب با گناه‌کار و اهل عمل بودن آمران و ناهیان موجب شده تا مردم نسبت به اصل مسئله امر به معروف و نهی از منکر بدبین شوند و با حالت تنش‌زایی با آمران و ناهیان برخورد کنند، که در نتیجه گاهی مردم از مسئله امر به معروف و نهی از منکر به دید تجسس می‌نگرند و گاهی این فریضه الهی را سوءظن و تهمت می‌پندارند. حضرت علی (علیه‌السلام) در هنگام برخورد با گناه‌کار می‌فرماید: أَصْلَحُ الْمُسِيءَ بِحَسَنِ فِعَالِكَ وَ دَلٌّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ؛ بدکار را با کردار نیک اصلاح کند و با گفتار نیکو زیبایت او را به خیر راهنمایی کن. (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۴) و هم‌چنین حضرت در مورد اهل عمل نبودن آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌فرماید: وَاِنْهَوَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَنَاهَوَا

عَنْهُ؛ فَإِنَّمَا أَمَرْتُم بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي؛ از زشت کاری نهی کنید و خود از آن باز ایستید؛ زیرا که شما فرمان دارید ابتدا خود، از کار زشت باز ایستید، سپس دیگران را نهی کنید. (دستی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶)

۳- فضای نامناسب جامعه

فضای نامناسب جامعه می تواند تاثیری در اجرایی نشدن امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد در جامعه ای که موقعیت و جایگاه اجتماعی گناه کار نسبت به شخص نیکوکار غلبه داشته باشد، نه تنها زمینه برای فرهنگ سازی ایجاد نمی شود، بلکه ضد فرهنگ جای خودش را به فرهنگ می دهد، به گونه ای که امر به بدی و نهی از خوبی ارزش می شود و جامعه رو به ابتذال کشیده می شود.

امام حسین (علیه السلام) پس از امتناع از بیعت با یزید در پاسخ به سخن مروان فرمودند؛ انا لله و انا اليه راجعون و علی السلام السلام؛ باید فاتحه اسلام را خواند و با اسلام خداحافظی کرد، زمانی که والی مسلمانان، کسی هم چون یزید باشد. (ابن طاووس، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

مخالفت و ملامت دیگران مصداقی روشن برای محیط نامطلوب جامعه می باشد، به گونه ای که سرزنش کردن، توسط دیگران دیگران، در نفوس آمران و ناهیان تاثیر می گذارد و آنها را نسبت به انجام این فریضه دلسرد و ملول می کنند.

اما حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكَرِ الْمُنْكَرَ يَبْدِكَ
وَلِسَانِكَ وَ بَايْنُ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَئِمِّ
(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۹۰)

نتیجه: ترک امر به معروف و نهی از منکر علل گوناگونی دارد، که هیچ یک از این علت هایی که ذکر شد، هیچ شأنتی برای توجیه ترک امر به معروف و نهی از منکر را ندارد. بعضی از علل ترک امر به معروف و نهی از منکر، علت درونی است، یعنی خود شخص عامل ترک امر به معروف و نهی از منکر می باشد و بعضی دیگر از علت ها، علل برونی است که شخص آمر و ناهی، تحت تأثیر رفتار دیگران قرار می گیرد و موجب ترک این فریضه شده است. انسان نباید غافل از این باشد که موجبات ترک امر به معروف و نهی از منکر را فراهم کند. زیرا بسیاری از بدبختی ها و عذاب ها، ریشه در ترک امر به معروف و نهی از منکر دارد. هم چنین عدم رشد جامعه و به ابتذال کشیده شدن آن و از بین رفتن جامعه انسانیت به خاطر رها کردن امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

منابع و مأخذ

ابن اشعث، محمد بن محمد، *الجعفریات*، چاپ اول، تهران، مکتبه‌النینوی الحدیثه، بی تا

ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش

ابن طاووس، علی بن موسی، *الهیوف علی قتلی الطفوف*، فهری زنجانی، احمد، چاپ اول، تهران، جهان، ۱۳۴۸ش

ابوالحسن محمد بن الحسین، سید رضی، *نهج البلاغه*، محمد دشتی، چاپ اول، قم، ولی عصر، ۱۳۸۸

بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی، *هرج و مرج زورمداری*، تهران روزنه، ۱۳۹۰ش

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، رجایی، سیدمهدی، چاپ دوم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۱۰ق

خادمی-محمودخوانی، حسین-حمیدرضا، *واجب فراموش شده* راهبرد مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، چاپ دوم، تهران، خیزش نو، ۱۳۹۲ش

رضوانی، علی اصغر، *مدینه فاضله در پرتوی امر به معروف و نهی از منکر*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش

صافی گلپایگانی، لطف الله، *راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر*، قم، دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ش

فلاح زاده، محمدحسین، *درسنامه فقه مطابق با فتاوی مراجع تقلید*، چاپ سوم، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶ش

قرائتی، محسن، *ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر*، چاپ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶ش

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، غفاری-آخوندی، علی اکبر-محمد، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۸ق

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، جمعی از محققان، جلد ۷۴، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق

مدرسی یزدی، محمدرضا، *دو فرمان الهی برای امت برتر*، یزد، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر معاونت فرهنگی،
۱۳۸۵ش

مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش